



# ترانه و توفان

زنان و جنبش مسلحه ایران

دهه های چهل و پنجاه

نویسنده کان:

دکتر محسن مدیر شانه چی  
فرزانه زارع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**ترانه و توفان**

**زنان و جنبش مسلحانه ایران**

**دهه‌های چهل و پنجاه**

**نویسندهان**

**دکتر محسن مدیر شانه‌چی**

**فرزانه زارع**

عنوان و نام پدیدآور :	مدیر شانه‌چی، محسن -
متن و طوفان: زنان و جنبش مسلحه ایران دهه های چهل و پنجاه / نویسنده ایران محسن مدیر شانه‌چی، فرزانه زارع : نظرات و اجرا دلیله رحیمی آشتیانی.	تهران : چاپخشن ، ۱۴۰۰
مشخصات نشر :	۲۰۰ س ص؛ ۵/۱۰/۵ س.م
مشخصات ظاهری :	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۹-۶۲-۹
شماره کتابشناسی ملی :	فیبا
موضوع :	وضعیت فهرست نویسی
موضوع :	ایران -- تاریخ -- بهلوی، ۱۳۲۰- ۱۳۵۷ -- جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع :	Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1978 -- *Protest movements
موضوع :	زنان -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع :	Women-- Political activity -- Iran -- History -- 20th century
موضوع :	ایران -- تاریخ -- بهلوی، ۱۳۲۰- ۱۳۵۷ -- زنان
موضوع :	Iran -- History -- pahlavi, 1941 - 1978 -- Women
شناسه افزوده :	- زارع، فرزانه، ۱۳۵۸
شناسه افزوده :	- رحیمی آشتیانی، دلیله، ۱۳۷۱
ردی بندی کنگره :	۱۵-۹ DSR
ردی بندی دیوبی :	۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی :	۷۶۵۲۴-۷

# چاپخشن

<http://chapakhsh.com>



chapakhshpub

09191670006

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، شماره ۱۲، انتشارات چاپخشن

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۴۱۱۰، ۱۳۱۴۵-۱۷۳۷، صندوق پستی

پست الکترونیکی: pub@chapakhsh.com

نشانی سایت: www.chapakhsh.com

## ترانه و توافق: زنان و جنبش مسلحه ایران (دهه های چهل و پنجاه)

نویسنده ایران: دکتر محسن مدیر شانه‌چی، فرزانه زارع

نظرات و اجرا: دلیله رحیمی آشتیانی

صفحه آرآ: منصوره سعادت

نمونه خوان: سمانه ضرابی نژاد

طراح جلد: فرانک محجوب

چاپ اول: اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۹-۶۲-۹

شماره کتاب: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۶۴۰۰ تومان

چاپ: نصر

حق انتشار: همه حقوق محفوظ است

## فهرست مطالب

۹ .....	مقدمه
۱۳ .....	پیشینه پژوهش
فصل اول: تکاهاي به اوضاع سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی ایران	
۱۷ .....	در ددههای چهل و پنجاه
۱۹ .....	۱- ساختار سیاسی حکومت در ددههای چهل و پنجاه
۲۱ .....	۱-۱. احزاب سیاسی
۲۳ .....	۱-۲. نیروهای مسلح و سواک
۲۵ .....	۲-۱. ساختار اقتصادی در ددههای چهل و پنجاه
۲۶ .....	۲-۱-۱. وضعیت کشاورزی
۲۸ .....	۲-۱-۲. وضعیت صنعت و تجارت
۳۱ .....	۳-۱. ساختار اجتماعی و فرهنگی در ددههای چهل و پنجاه
۳۲ .....	۳-۲. مخالفان حکومت
۳۳ .....	۳-۲-۱. مخالفان مذهبی - روحانیت
۳۴ .....	۳-۲-۲. مخالفان مذهبی غیرروحانی - نهضت آزادی
۳۴ .....	۳-۲-۳. جبهه ملی
۳۵ .....	۴-۱. حزب توده
۳۵ .....	۴-۲. گروههای آزادیخواه میاندرو
۳۵ .....	۶-۱. گروههای چریکی
۳۷ .....	۴-۳. روابط خارجی حکومت در ددههای چهل و پنجاه
۳۸ .....	۴-۴. روابط ایران و آمریکا

۴۱ .....	۲-۴-۱. روابط ایران و شوروی
۴۲ .....	۲-۴-۲. روابط ایران و خاورمیانه
<b>۴۷ .....</b>	<b>فصل دوم: مشی مسلحانه و سازمان‌های چریکی در ایران</b>
۴۹ .....	۲-۱. مشی مسلحانه
۵۵ .....	۲-۲. سازمان‌های چریکی در ایران
۵۶ .....	۲-۳. نخستین گروه‌های مسلح اسلامی در ایران
۵۶ .....	۲-۳-۱. جمعیت موتلفه اسلامی
۵۸ .....	۲-۳-۲. حزب ملل اسلامی
۵۹ .....	۴-۱. گروه‌های مسلحانه چپ در ایران
۶۰ .....	۴-۲. گروه فلسطین
۶۱ .....	۴-۲-۱. سازمان رهایی بخش خلق‌های ایران
۶۱ .....	۴-۲-۲. گروه آرمان خلق
۶۲ .....	۴-۲-۳. گروه پرویز نیکخواه
۶۳ .....	۴-۲-۴. گروه بهمن قشقاوی
۶۴ .....	۴-۲-۵. گروه جزئی - ظرفی
۶۴ .....	۴-۲-۶. گروه احمدزاده - پویان
۶۴ .....	۴-۲-۷. گروه جنگل
۶۷ .....	۴-۲-۸. کنفراسیون دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی
۶۹ .....	۵-۱. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۷۱ .....	۵-۲-۱. ایدنلوژی سازمان فدائیان خلق ایران
۷۴ .....	۵-۲-۲. عملیات سیاهکل
۷۷ .....	۵-۲-۳. اقدامات فدائیان
۸۰ .....	۵-۲-۴. سازمان فدائیان خلق ایران پس از پیروزی انقلاب
۸۱ .....	۵-۲-۵. انشعاب‌های درون سازمانی
۸۳ .....	۶-۱. سازمان مجاهدین خلق ایران
۸۵ .....	۶-۲-۱. ایدنلوژی سازمان مجاهدین خلق ایران

۹۱ .....	۲-۶-۲. اقدامات سازمان مجاهدین خلق ایران
۹۴ .....	۳-۶-۲. ضربه و انفجار بزرگ
۹۷ .....	۴-۶-۲. تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران
۹۹ .....	۵-۶-۲. سازمان مجاهدین خلق ایران پس از تغییر ایدئولوژی
۱۰۴ .....	۶-۶-۲. سازمان مجاهدین خلق ایران پس از پیروزی انقلاب
۱۰۸ .....	۷-۶-۲. ارتباط سازمان‌های مجاهدین خلق و فدائیان خلق

### فصل سوم: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان ایران

۱۱۳ .....	در دوران معاصر
۱۱۵ .....	۱-۳. زنان ایران در تاریخ معاصر
۱۱۹ .....	۱-۱-۳. زنان ایران در عصر مشروطه
۱۲۴ .....	۲-۱-۳. تشکل‌ها و انجمن‌های زنان در عصر مشروطه
۱۳۰ .....	۲-۳. زنان ایران در عصر پهلوی
۱۳۰ .....	۳-۱-۲. زنان در دوران حکومت رضاشاه
۱۳۵ .....	۳-۲-۲. زنان در دوران حکومت محمد رضا شاه
۱۳۶ .....	۳-۲-۲-۱. تشکل‌ها و سازمان‌های زنان در عصر پهلوی دوم
۱۳۷ .....	۳-۲-۲-۲. حضور و نقش زنان در مناصب سیاسی در حکومت پهلوی دوم
۱۴۳ .....	۳-۲-۲-۳. حضور و نقش زنان در احزاب و جمیعت‌های سیاسی
۱۴۳ .....	۲-۳-۲-۱. زنان در احزاب چپ‌گرا (حزب توده ایران)
۱۴۶ .....	۲-۳-۲-۲. زنان در احزاب راست‌گرا (حزب دموکرات ایران)
۱۴۷ .....	۴-۲-۲-۳. نشریات زنان
۱۵۰ .....	۵-۲-۲-۳. نقش و حضور زنان در دربار

### فصل چهارم: حضور و جایگاه زنان ایران در مبارزات چریکی ۱۵۷

۱۴ .....	۱-۴. حضور زنان در عرصه مبارزه علیه حکومت پهلوی دوم
۱۶۱ .....	۲-۴. زنان مبارز؛ زندان، شکنجه، و مرگ
۱۶۸ .....	۳-۴. زنان چریک سازمان فدائیان خلق ایران
۱۷۳ .....	

---

۴-۴. دیگر زنان مبارز مارکسیست ..... ۱۹۸
۴-۵. زنان چربیک سازمان مجاهدین خلق ایران ..... ۲۰۱
۴-۶. دیگر زنان مبارز مسلمان ..... ۲۲۴
فصل پنجم: نتیجه گیری ..... ۲۳۱
منابع ..... ۲۳۹

## مقدمه

در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، استبداد و سرکوب در دوران حکومت پهلوی دوم جایگزین دموکراسی دهه بیست شد. حکومت به سرکوب مبارزات سیاسی قانونی و مسالمت‌آمیز احزاب و گروه‌های سیاسی پرداخت و با پی گرفتن روش استبدادی و خودکامانه، مخالفان سیاسی را از میان برداشت. در چنین شرایطی به موازات گسترش اختلافات ترمیم‌ناپذیر بین حکومت با احزاب و تشکل‌های سیاسی و مدنی، فضای سیاسی و اجتماعی لازم برای شکل‌گیری نوع جدیدی از برخورد و تقابل میان حکومت، منتقدان، و ناراضیان پدیدار شد. بسیاری از اعضا و فعالان جوان‌تر این گروه‌ها که تحت فشار قرار گرفته بودند، تز مبارزه مسلحانه و خشونت‌آمیز با حکومت و دستگاه سرکوب را به عنوان راه حلی اجتناب‌ناپذیر و حتمی برای خروج از بن‌بست سیاسی مورد توجه قرار دادند و پایه‌گذار روش نوینی در برخورد با حکومت شدند.

پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امید به کارایی شیوه‌های اصلاح طلبانه بیش از پیش از میان رفت و جای خود را به اندیشه سرنگونی رژیم سلطنتی داد؛ اندیشه‌ای که وجه اصلی و شاخص آن، مشی قهرآمیز و مبارزه مسلحانه بود. در اغلب تحلیل‌هایی که در پاسخ به چرایی افزایش مبارزه مسلحانه با حکومت

محمد رضا شاه در دهه‌های چهل و پنجاه ارائه می‌شود، از برخورد قهرآمیز با قیام ۱۵ خرداد به مثابه نقطه عطف در این روند یاد می‌شود. درواقع این رویداد به نفی خط‌مشی اصلاح طلبانه و رفرمیستی و پارلمانتاریستی از جمله مبارزه مسالمت‌آمیز از سوی بسیاری از نیروهای مذهبی و غیر مذهبی انجامید. با این ترتیب دیکتاتوری محمد رضا شاه و همچنین انفعال گروه‌های سیاسی که مایل بودند مبارزات خود را در چارچوب قانون اساسی پس گیرند، شرایطی را فراهم آورد که «مبارزه مسلحانه» به عنوان روشی برای مقابله با دیکتاتوری پذیرفته شود (نادری، ۱۳۸۷: ۱۶).

سال‌ها مبارزات چریکی و مسلحانه گروه‌های اسلامی در کشورهای عربی و اسلامی در فلسطین، اردن، لبنان، مصر، برخی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس وغیره در گرایش گروه‌های مسلمان و مذهبی به مبارزه مسلحانه در ایران تأثیرات انکارناپذیری داشت. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا نیز مبارزات چریکی بین گروه‌های آزادی‌بخش و انقلابی (که عمدها از مردم‌های چپ و کمونیستی پیروی می‌کردند) جریان داشت که شعارهای زیبای آنها، بسیاری از جوانان ایرانی دارای گرایش‌های چپ و کمونیستی را برای درپیش گرفتن مبارزه مسلحانه وسوسه می‌کرد. تأثیر تصوری جنگ چریکی در آمریکای لاتین به خصوص کوبا بر جوانان ایران عامل نضع و طرح جدی مستله جنگ چریکی در ایران شد. علاقه‌مندان مشی مسلحانه در دو جریان فکری خلاصه می‌شدند: الف) مبارزین مسلمان که از اندیشه انقلابی و شیعه و اسلام جهادی الهام می‌گرفتند و ب) حرکت‌های غیر مذهبی با اهداف و

تاکتیک‌های مارکسیستی و گرایش‌های غیردینی چپ، به طورکلی دهه چهل، دهه پدیدآمدن گروه‌های مبارز با مشی مسلحانه چریکی در میان نیروهای مذهبی و مارکسیست بود (علوی، ۱۳۷۹: ۲).

در میان گروه‌های ذکر شده، فعالیت نظامی چریک‌های فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق شاخص‌تر از بقیه به‌شمار می‌آید و براین اساس بارزترین اشکال مبارزه مسلحانه را در دوران پهلوی دوم همین دو گروه پیگیری کردند. از میان دو گروه یاد شده، سازمان مجاهدین خلق با موضع گیری‌های ناشی از ایدئولوژی اسلامی توانست موجب جذب بیشتر نیروهای جوان و پرشور از طیف‌های مختلف اجتماعی شود (باقرزاده، ۱۳۸۵: ۱۸). این گروه به دلایلی مانند داشتن وجهه مذهبی و به‌دبیال آن، برخورداری از امکان استفاده از نیروها و امکانات قشرهای مذهبی جامعه، گسترش و فراگیری بیشتری داشت و توانست با بهره‌برداری از مذهب در مدتی طولانی حمایت و توجه بخش‌هایی از روحانیت و مبارزان مذهبی را به خود جلب کند و طی زمان بیشتری (حدفاصل سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵) به اقدامات مسلحانه علیه رژیم پهلوی دست زند؛ حال آنکه چریک‌های فدائی خلق به‌دلیل تضاد آشکار با مذهب فاقد حمایت و پشتونه مردمی گستردۀ بودند و پس از اقدام اولیه نظامی در حادثه سیاهکل، بخش اعظم امکانات و نیروهای خود را از دست دادند و به صورتی محدود و کم‌فروغ به حیات خود ادامه دادند (ensani.ir).

شرکت فعال زنان ایرانی در مبارزات سیاسی از همان هنگام آغاز شد که گروه‌های چریکی علیه رژیم شاه به فعالیت پرداختند. تا پیش از آن و در جامعه

ستی ایران، زنان سهم مبارزاتی خود را بیشتر از راه تربیت فرزندان مبارز و نیز پشتیبانی از همسران فداکار به انجام می‌رساندند؛ اما با راه یافتن گسترده زنان به محیط‌های آموزشی و دانشگاهی که کم‌وبیش مقارن همان ایام صورت می‌گرفت، بسیاری از زنان همراه با مردان در تظاهرات و اعتصابات صنفی و سیاسی شرکت می‌کردند و با گسترش مشی چریکی، زنان نیز همپای مردان وارد این نوع مبارزات شدند.

## پیشینه پژوهش

به طورکلی، در خصوص موضوع تحقیق می‌توان به چند دسته از منابع اشاره کرد؛ دسته‌ای از آثار شامل خاطرات و نوشتۀ‌هایی از بازیگران اصلی و دست‌اندرکاران جنبش مسلحanh است. دسته دیگر، کتاب‌ها و مقالاتی است که در مورد تاریخ مبارزات مسلحanh، سازمان‌ها و گروه‌های چریکی نوشته شده و دسته دیگر منابع را می‌توان مطالب گوناگون در این زمینه و خصوصاً مصاحبه‌هایی دانست که در نشریات و سایت‌ها منتشر شده است.

برای بررسی و شناخت بیشتر پیشینه موضوع پژوهش، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کتاب «سازمان مجاهدین خلق (پیدایی تا فرجام ۱۳۴۴—۱۳۸۴)» در سه جلد به کوشش جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۶)، به بررسی سازمان مجاهدین از ابتدای شکل‌گیری آن پرداخته است. در جلد اول این کتاب و به خصوص در گفتار دوم که مبارزه نوین مسلحanh نام گرفته، تاریخچه‌ای از شکل‌گیری گروه‌های مبارز بیان شده است. گفتارهای سوم و چهارم به سازمان مجاهدین خلق می‌پردازد و در آن تشکیل سازمان، عضوگیری، اقدامات مسلحanh و اوج و فرود مجاهدین بررسی می‌شود. در این میان، به صورت

مختصر به اسامی زنان عضو سازمان و فعالیت و یا دستگیری آنان در قسمت‌های مختلف کتاب برمی‌خوریم؛ اما اینکه به صورت مجزا و تفصیلی به موضوع زنان پرداخته شود، جز در فصل دوم از گفتار نهم در جلد دوم این کتاب که به اسامی و توضیحاتی درباره چند تن از زنان سازمان که در تصفیه‌های درون سازمانی کشته شده‌اند پرداخته است، مورد دیگری وجود ندارد.

نادری (۱۳۸۷) در کتاب «چریک‌های فدایی خلق، از نخستین کنش‌های بهمن ۱۳۵۷» به چگونگی شکل‌گیری هسته اولیه سازمان فدائیان خلق و تشکیلات و اقدامات آنان در طول دوره مبارزاتی شان می‌پردازد. نادری در این کتاب در فصولی که به بازگیری اقدامات مسلحانه سازمان می‌پردازد، به صورت موردنی و مختصر به اسامی چند تن از زنان عضو سازمان، فعالیت و سرانجام آنان اشاره می‌کند.

باقرزاده (۱۳۸۵) به عنوان یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدین، در کتاب «قدرت و دیگر هیچ» به بیان خاطرات بیست ساله خود از حضورش در سازمان مجاهدین خلق می‌پردازد.

دهقانی (۱۳۸۳) از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق در کتاب خود با عنوان «حماسه مقاومت» از خاطراتش در زندان‌های ساواک و شکنجه‌های واردشده می‌نویسد.

همچنین دهقانی (۲۰۰۵) در کتاب دیگریش «بذرهای ماندگار» خاطراتی از اعضای سازمان را بازگو می‌کند. کتاب حاوی دو فصل است که اولین فصل شامل خاطرات مبارزاتی او و اعضا از دهه پنجاه است و در فصل دوم هم به بحث‌های ایدئولوژیک و نظری می‌پردازد.

کتاب «داد بیداد» حاجبی تبریزی (۱۳۸۰)، خاطراتی از زنان زندانی در زندان‌های ساواک را شرح می‌دهد. حاجبی تبریزی در این کتاب از ۳۷ هم‌بند خود می‌گوید و علاوه بر این با نگاهی جامعه‌شناسی به زندانیان زن عادی یا غیرسیاسی نیز از اقتضار و طبقات گوناگون با جرائم مختلف می‌پردازد.

حاجبی تبریزی (۱۳۸۹) به عنوان عضوی مؤثر و مطرح در عرصه فعالیت‌های چریکی، در کتاب دیگر خود به نام «یادها» به شرح خاطرات، اوضاع سیاسی ایران و فعالیت‌های خویش اشاره می‌کند.

از دیگر کتاب‌هایی که در زمرة خاطرات اعضای زن سازمان فدائیان خلق نوشته شده، کتاب «دالغا» (بی‌تا) از مرضیه احمدی اسکوبی است. با مطالعه این کتاب می‌توان با گوشه‌ای از زندگی، عقاید و فعالیت‌های این عضو سازمان آشنا شد. کتاب «مشی چریکی در ایران» نوشته علوی (۱۳۷۹) به صورت تفصیلی مشی مسلحانه در ایران را بازگو می‌کند. فصول مختلف این کتاب مشتمل بر توضیح درمورد کلیات مشی مسلحانه، سازمان‌ها، تاریخچه و مباحثی درباره فراز و فروود اقدامات سازمان‌های چریکی است.

حمیدیان (۲۰۱۲) در کتابش «سفر با بالهای آرزو» از تاریخچه شکل‌گیری و همچنین فعالیت در سازمان فدائیان خلق می‌گوید. این کتاب نیز می‌تواند برای آشنایی با نحوه مبارزات مسلحانه مورد استفاده قرار گیرد.

«بر فراز خلیج» به قلم نجات حسینی (۱۳۷۹) که در چاپ‌های بعد با عنوان بر فراز خلیج فارس منتشر شد، به خاطرات مبارزاتی این عضو سابق سازمان مجاهدین خلق می‌پردازد. در این کتاب هم در یکی دو مورد به اسامی

زنان عضو سازمان و اقدامات آنان اشاره شده است.

«شورشیان آرمان خواه، ناکامی چپ در ایران» نوشته بهروز (۱۳۸۰) از منابعی است که با دیدی تاریخی و تحلیلی به شکل‌گیری سازمان‌های چپ‌گرا و مارکسیستی در ایران و نحوه فعالیت، اقدامات و همچنین افول قدرشان می‌پردازد.

جعفری (۱۳۸۳) نیز در کتابش «مجاهدین خلق از درون» به شرح خاطرات خویش می‌پردازد. در لابه‌لای خاطرات به صورت مختصر به اسمی و نحوه فعالیت تعدادی از زنان عضو سازمان بر می‌خوریم.

از کتاب‌های مطرح درخصوص تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوران حکومت پهلوی دوم، کتاب‌های «ایران بین دو انقلاب» نوشته آبراهامیان (۱۳۷۷) و «اسلام رادیکال» از آبراهامیان (۱۳۸۶) است که ضمن بررسی وضعیت سیاسی ایران در دوره مورد بحث، اشاراتی نیز در آن به جنبش چریکی و مبارزان در ایران شده است.

## فصل اول

نگاهی به اوضاع سیاسی، اقتصادی و  
اجتماعی ایران در دهه‌های چهل و پنجاه



دوران حکومت محمد رضا شاه پهلوی که قریب چهل سال (۱۳۲۰-۱۳۵۷) را در بر می‌گیرد، از ادوار حساس تاریخ ایران محسوب می‌شود. بررسی وضعیت کشور در این دوران از جهات مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی حائز اهمیت است. کشور به خصوص در دو دهه پایانی با چالش‌های مختلفی رو به رو شد که زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب و فروپاشی حکومت در اواخر دهه پنجاه را فراهم ساخت.

### ۱-۱. ساختار سیاسی حکومت در دهه‌های چهل و پنجاه

شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ طی یک ربع قرن به تدریج توانست به یک سلطان مطلق‌العنان تبدیل شود. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ نظام سیاسی کشور متکر و کم‌ویش مبتنی بر قانون اساسی بود. در نتیجه پارلمان مهم‌ترین نهاد سیاسی به شمار می‌رفت. از مهم‌ترین اهداف شاه در این دوره، تسخیر کامل قوه مجریه بود تا به واسطه آن، هم فرماندهی کل قوا را اعمال کند و هم اهرم‌های قدرت مجلس را ضعیف کند. از ویژگی‌های این زمان، کاهش و سپس افزایش قدرت دربار، افزایش و متعاقب آن کاهش قدرت مجلس و بالاخره کنترل نسبی دربار بر مجریه بود (مرادی‌جو، ۱۳۸۸: ۵۹-۶۲). فاصله سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۴۲ را که با کودتای ۲۸ مرداد آغاز شد، می‌توان دوران ثبیت

حکومت شاه نامید. خطمشی کلی دولت در آن سال‌ها بر تمرکز قوه مجریه کشور در دست شاه مبتنی بود تا در سایه آن بتواند دوره‌ای از نوسازی را در کشور به مرحله اجرا درآورد (همبلی، ۱۳۷۲: ۱۰۶). این دوره هفت ساله را در مجموع می‌توان دوره دست‌اندازی تدریجی به قوای مملکتی، دستیابی فزاینده به کانون‌های تصمیم‌گیری، و بسط سراسری قدرت مطلقه ساختار سیاسی حکومتی ارزیابی کرد. طی این سال‌ها به تدریج همه حقوق و آزادی‌های اساسی و قانونی ملغی شد و شاه به تحکیم مواضع و اعمال سیطره کامل بر جامعه و امور سیاسی ایران پرداخت (مرادی‌جو، ۱۳۸۸: ۶۳).

سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۳۹ که در برخی منابع تاریخی به دوره گستاخ است از آن پاد می‌شود، دوره‌ای است که در اوج اقتدارگرایی و تمرکز قدرت، بر اثر مجموعه تحولات و تنش‌های داخلی و خارجی، فضای سیاسی-اجتماعی کشور دستخوش دگرگونی‌هایی شد. از یک سو ساختار سیاسی حکومتی، تمرکز و انحصار مطلق را از دست داد و از سوی دیگر، با احیا و فعالیت دوباره ساختارها و نهادهای سیاسی غیر‌حکومتی مانند جامعه معلمان ایران، تعدد و تنواع کانون‌های قدرت شکل گرفت. با برآمدن کانون‌های قدرت در ارگان‌های حکومتی و غیر‌حکومتی چالش جدیدی مطرح شد و شاه برای جلوگیری از آنها دست به دامن سواوک شد. درنهایت اینکه با سرکوب و اضمحلال همه کانون‌ها و مراکز قدرت سیاسی غیر‌حکومتی در سال ۱۳۴۲، این دوره کوتاه تمرکز زدایی از میان رفت و دوره دیگری از تجمع و انحصار قدرت و تمرکزگرایی در ساختار سیاسی کشور آغاز شد (مرادی‌جو، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۹). درواقع با سقوط کابینه

امینی، عملاً دوره بی سابقه‌ای از فرمانروایی مطلقه در کشور آغاز شد که تا سال ۱۳۵۷ تداوم یافت (همبلی، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

به طورکلی، دهه ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ به تعبیر آبراهامیان دوره کوشش برای تثیت قدرت است (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۸۳). در فاصله این سال‌ها، جو سیاسی ایران به گونه‌ای بود که می‌توان از آن به دوره شکل‌گیری دیکتاتوری یاد کرد و پس از آن، دوره‌ای که با شروع استبداد فردی شاه بعد از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد و تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ شتاب گرفت. سال‌های ۱۳۴۲–۱۳۵۷ آغاز دیکتاتوری سلطنتی بود که در آن شاه بر همه امور سیاسی کشور نظارت و سیطره داشت و کار تصمیم‌گیری را در پیرامون خود مرکز کرده بود (استمپل، ۱۳۷۷: ۲۱).

طی این سال‌ها هر سه قوه کشور عملاً به ابزار قدرت بلا منازع و نامحدود شاه و بازوی اجرایی سلطنت بدل شده بود. به نوشته گازیوروسکی، به علت نقش بی‌چون و چرای شاه در تصمیم‌گیری، سازمان‌های حکومتی اختیارات مستقلی نداشتند. نخست وزیر صرفاً ازسوی شاه برگزیده می‌شد. از این‌رو او و کابینه‌اش به صورت ابزارهای اجرای تصمیم شاه در می‌آمدند و نه کانون‌های مستقل قدرت (گازیوروسکی، ۱۳۷۱ الف: ۳۲۸).

## ۱-۱. احزاب سیاسی

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، حزب‌های سیاسی دوره مصدق ممنوع شدند و سانسور شدیدی برقرار گردید. بعدها در اوخر دهه سی، دو حزب وفادار به شاه، یکی حزب مردم به رهبری علم و دیگری حزب ملیون به رهبری اقبال ایجاد شد.